

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نور (جله چهارم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۵/۲/۲۲

ان شاء الله میلاد با سعادت اباعبدالله علیه السلام و قمر بنی هاشم (علیه السلام) و امام سجاد علیه السلام بر شما مبارک باشد
صلوات.

هر کسی در جلسه هر حاجتی دارد در ذهن بیاورد، برای برآورده شدن حاجات خود و بقیه صلوات بفرستید. و برای جمع یک دعا کنید.

انسان وقتی به زندگی خود نگاه می کند بعضی وقت ها فکر می کند اشتباهات زیادی در زندگی اش بوده و مسیرهای اشتباهی را رفته است. راهش این است که همان موقع که فکر می کند و پشیمان می شود استغفار کند. خدا قبول می کند. بگویند استغفرالله ربی و اتوب الیه.

می گویند اگر بعدش فرد خدمت رسول خدا برسد استغفارش زودتر قبول می شود. ماه شعبان ماه استغفار و رجوع به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و این بی دلیل نیست. یعنی هر موقع خواستید که استغفار کنید به دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بروید.

نگاه کنیم به گذشته نه چندان خوبمان، گفتارهایی که نباید می داشتیم، حالاتی که نباید می داشتیم، رفتارهایی که نباید می داشتیم و استغفار کنیم و صلوات بفرستیم.

وقتی انسان نگاه می کند و به قلبش رجوع می کند می بیند در ایام عمرش کارهایی را انجام داده و اتفاقاتی افتاده که اساس زندگی اش را تغییر داده است. یک رشته ای خوانده که نباید می خوانده، یک محل سکونتی داشته که نباید می داشته و برای برطرف شدن تبعاتش باید به رسول رجوع کرد. در این موقعیت اگر من پشیمان شوم، نمی توانم راهم را برگردم. احتیاج به جبران داریم وقتی می گویم استغفرالله ربی و اتوب الیه یعنی خدایا جبران کن.

آدم با کسی دوست شده، دوستی اش را به هم می زند اما قضیه فراتر از این است.. باید جبران کند.

یک ازدواجی کرده که نباید انجام می‌شده است، بچه‌ای باید داشت اما ندارد.. باید اینها را جبران کند، خدمت رسول خدا برود و بخواهد که جبران شود. از وجوه استغفار در ماه شعبان، طلب جبران است.

یک وقتی کسی فکر نکند خدا جبران نمی‌کند. برای اینکه چنین استغفاری انجام دهید صلوات بفرستید.

یک وقت‌ها می‌گویی جبران را ولش کن، از دست خودم چه کنم! جبران را ولش کن، نه نمی‌توانم پشیمان شوم از بودنم، جبران را ولش کن، نه نمی‌توانم بگویم خدایا جبران کن بودنم را. یعنی استغفار از من. گرفتار من بودن، گرفتار نفس بودن. خدایا این نفس عماره، نفسی که به تو متوجه نیست، که با تو یکی نیست را بگیر. این استغفارش با آن قبلی فرق می‌کند. این استغفارش از منیت است. از آنکه منشاء همه بدیها از آن رقم می‌خورد.

امام صادق علیه‌السلام از شب تا صبح طواف می‌کرد در کعبه. راوی گفت آقا فقط یک دعا بیشتر بلد نیست.

و هو يقول: فغنی شح نفسی. گفتم چرا فقط همین دعا را می‌کنید؟ فرمود مگر نخوانده‌ای در قرآن آمده است «فمن یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون».

انسان اگر منیت نداشته باشد خدا وعده داده به فلاح و به قطعیت برسد. برای کنترل شح نفس فقط می‌ارزد برود مکه و دور خانه خدا از شب تا صبح همین یک دعا را بکند. این یک مدل استغفار دیگر است. ما برای این استغفار هم باید به رسول خدا رجوع کنیم. خدایا من را از شح نفس، از خود منفی‌ام رها کن. برای اینکه این مدل استغفار، در ماه شعبان در ما جاری شود صلوات.

با این مدل، دیگر این آدم پاک شد، اعمالش و باورهایش را مهر قبولی زدند. مسیرهای اشتباهش را گفتند جبران می‌کنیم و شح نفس را هم از او برداشتند.

می‌گویند چرا مردم دروغ می‌گویند؟ رجوع می‌کند به رسول خدا و می‌گوید خدایا به خاطر رسولت شده گناه را از روی زمین بردار. پس یک مدل استغفار هم استغفار از گناه است. کاری ندارد کجا این کار را می‌کند یا این فحش و نفرین از دهان کیست، بلکه فقط برای آن استغفار می‌کند.

یک مدل هم استغفاری است که خود رسول می‌کند. وقتی گناه من را گناه خود می‌داند. خدا هم گفته «واستغفر لذنبک» رودربایسی هم نکرده! ای رسول از گناهانت استغفار کن!

گناهان مردم گناهان رسول است. نه تنها از گناه استغفار می کند بلکه گناهان مردم گناهان اوست. «خدایا گناهان من را ببخش» یعنی خدایا گناهان او را ببخش. می خواهد بگوید کار بد جهنم است، نمی خواهد بگوید کسی را جهنم ببرد.

خدا استغفار پیامبرش را زمین نمی زند. «ولو سوف يعطيك ربك فترضى» عجیب است حکایت رسولی که استغفار از گناهانش جهنم را برد و سلام می کند. نمی گویم آدم ها بروند گناه کنند. مهم این است که گناه دیگری را گناه خود بدانند. به این بهشت می گویند. هر موقع انسان ها به این درجه برسند در بهشت هستند.

از تقصیرهای هم بگذریم، تقصیرهای دوست و همسر و بچه هایمان را تقصیر خودمان بدانیم تا به بهشت برویم. برای اینکه استغفار نوع پنجم هم در ما تحقق پیدا کند صلوات.

حضرت علی علیه السلام استغفارهای متعددی در صحیفه دارند. استغفار هفت نوع است و ما پنج نوعش را گفتیم. لابد دو نوعش هم مخفی است.

هفت مرتبه استغفار یعنی هفت مرحله استغفار، هفت پایه استغفار نه هفت بار استغفار. برای اینکه هفت مرتبه استغفار در ما جاری شود صلوات.

ای بسا یک نفر در جمع شما دعا کرده که این حرف ها به زبان ما جاری می شود و همگی از آن بهره می بریم... برای آن فرد هم یک صلوات بفرستید. از اینجا استغفار نوع ششم مشخص شد.

استغفار ششم: القاء می کند به زبان دیگری و استغفار جاری می شود. ای کاش آن فرد حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فی فرجه باشد.

یک مقدار به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام زمان عجل الله تعالی فی فرجه خوش بین باشیم. آن ها برایمان استغفار می کنند، آن ها بیشتر از خودمان نگران ما هستند. برای سلامتی شان صلواتی بفرستید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱)

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲)

آیات ۱ و ۲: فضل یعنی توان‌هایی که انسان‌ها بواسطه قابلیت‌ها و استعدادهایشان در جامعه بدرخشند. خدا در سوره نور مطرح می‌کند (آیه ۱۰) که فضل و رحمت خدا دائمی است چون خدا تواب رحیم است. هر چه جامعه باشد فضل و رحمت خدا هست هر چند همه جا تیره و تار باشد.

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۴)

آیه ۱۴: جامعه‌ای را ترسیم می‌کند که در آن نسبت فحشاء می‌دهند. اشکال ندارد انسان در جامعه فعالیت و خدمت‌رسانی کند. بگوید جامعه چقدر بد شده، مسئولیتش را زیاد و خوابش را کم کند. اما حق ندارد ناامید شود. چون فضل در رحمت الهی در جامعه دینی به پناه رسول خدا است. کنف دین به مو هم برسد، اما پاره نمی‌شود. برای وضع دین نمی‌خواهد نگران باشیم.

وَالْآخِرَةُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۱۹)

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ (۲۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۱)

آیات ۱۹، ۲۰، ۲۱: وقتی زندگی انسان اجتماعی می‌شود. اگر این رفتار بد هم ترویج شود از خطوات شیطان است. به بهانه امر به معروف و نهی از منکر برخوردهای شیطان ترویج می‌شود. هم جامعه بد می‌شود هم آسیب می‌بینید. باید کاری می‌کرد این اتفاق نیفتد. «و من يتبع خطوات شیطان». هر کاری می‌کنی طوری انجام بده که فحشاء و منکر رواج پیدا نکند. برخی امر به معروف و نهی از منکرها رواج فحشاء و منکر است.

مثلا يك مفسد في الارض را می خواهيم معرفی کنیم به جای معرفی به دستگاه قضایی، به روزنامه‌ها و در رسانه‌های عمومی و تلگرام پخش می کنیم! این کار، القاء شیطانی است و فضای توهمی ایجاد می کند. فضای توهمی بدتر از فضای موجود است.

هیچ کس نگوید من پاک هستم و خطوات شیطان برای جامعه است.. نگوید اقدام و عمل و یا اقتصاد مقاومتی مربوط به مسئولین است. هر کس در حد خود می تواند کاری بکند. مثلا جنس ایرانی بخرد.

ما زکی منکه من احد ابدأ .

نمی گویم نسبت به بقیه بی خیال شویم اما اصلاح و زکو(تزکیه) را از خود شروع کنیم. هر فرد بداند اگر فضل و رحمت خدا نبود نمی توانست پاک باشد. نگاه کند این فضل و رحمت برایش عمومیت دارد یا اینکه جایی نقص دارد.

آیه ۲۱: برخی آیات غرر هستند. اینها غرر آیات اجتماعی هستند. کافیت آیه ۲۱ را در زندگی خودمان پیاده کنیم. نمی گویم مراقب جامعه باشیم، بلکه مراقب باشیم ترویج فحشاء و منکر نکرده باشیم. آن موقع سمیع و علیم بودن خدا را می فهمیم.

اگر با حجابی، چه کسی تو را با حجاب کرده؟ وقتی فرد خطوات شیطان را در وجود خود بررسی می کند، می بیند کانال شیطان نسبت به دیگران نیست. مگر می شود شیطان بتواند در من القایی کند در حالیکه گیرنده‌ای در من نباشد؟ اول مین خود را خنثی کنیم.. حالا بعدش خواستیم مین دیگران را هم خنثی می کنیم.
ملاک: یا امر بالفحشاء و المنکر نباید باشیم.

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَيُغْفُوا وَيُصْنَفُوا أَلَّا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۲)

آیه ۲۲: خیلی عجیب است. وقتی آدم‌ها دارای فضل می شوند، توانی در آن‌ها نسبت به بقیه به فعلیت می رسد و بالا می روند. می بیند طرف پول ندارد، خود را دارای فضل می بیند. طبیعتا اشتباهات آن‌ها را تشخیص می دهد.

این آیه می‌گوید آن‌ها که نزد شما دارای برتری هستند، دستشان هم باز است، سعه دارند و می‌توانند بروند کار کنند.

نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به مستمندان دریغ نمایند. نه اینکه اشتباه می‌کنی، درست قسم می‌خوری، این بنده خدا واقعا بی‌عرضه است. اما «عفو» داشته باش (بخشش)، «صفح» داشته باش و به جنبه‌های مثبتی او هم نگاه کن.

الا تحبون؛ در مسائل خانوادگی لطفاً منطق صوری و ارسطویی‌تان را خاموش کنید. با این منطق کنار هم نمی‌توانید زندگی کنید. می‌گوی من یکبار آدم‌خانه تو، تو هم باید بیایی خانه من! منطق دو دوتا چهارتا در زندگی جواب نمی‌دهد. شما اولی‌الفضل هستی چون خدا بهت فضل داده عفو و صفح کن. خدا برای هر عفو و صفحی پاداش می‌دهد.

غفران یعنی تبعات این کار را من پاک کنم. پدر بداخلاق است این روی بچه اثر می‌گذارد. من فضل را جوری به کار می‌برم که عفو و صفح می‌کنم. خدا چه می‌کند؟ غفران می‌کند.

بعد از چهار سال می‌بینی هیچ کدام از آثار بداخلاق در آن فرزند نیست. خداست و جبران می‌کند. هر کس در عفو و صفح از خود مایه بگذارد، خدا برایش جبران می‌کند. منظورش دشمن نیست، خودی است. هر که فضلش را بکار برد و عفو و صفح کرد، غفران دریافت می‌کند.

مخصوصاً این نکته برای آن‌ها که در زمینه تعلیم و تربیت فعالیت می‌کنند، مهم است. نگران است، می‌گوید روی بچه‌ام فحش دادن اثر می‌گذارد. سعی کن پدری و مادری‌ات را یک جوری نشان بدهی و آن را هم ماله بکشی.. مثلاً بگو پدرت فحش می‌دهد لا اقل کتکت که نمی‌زند. سعی کن غفران خدا را ببینی. اگر اینطور باشد فحش روی او اثر نمی‌گذارد.

الا تحبون یعنی آیا نمی‌خواهی؟ آیا دوست نداری؟!

کسی که عفو و صفح خود را برای اولی‌القربی، مساکین، مهاجرین فی سبیل الله به کار ببرد، غفران خدا را برداشت می‌کند. خیلی هم به او می‌چسبد! خدا لابلای بحث‌ها و درگیری‌ها خود را نشان می‌دهد. خدا همانی است که غفران کرد.. نگاه کن بچه‌ات هیچ تاثیری نگرفت و آخرش مسجدی شد..

خیلی وقت‌ها به خاطر ندیدن فضل‌ها، بچه‌هایمان را محروم می‌کنیم. باباش که اینطوره، مامانش هم اونطوره، خودش معلوم نیست چه می‌شود! این حرف اشتباه است... پس خدا کو؟! عفو چه؟! صفح؟!

عفو: طرف یعنی کسی بدی می‌کند و شما می‌بخشید (نادیده می‌گیرید، در واقع در عفو یک پرده روی آن می‌کشد)

صفح: نه تنها نادیده می‌گیرید بلکه می‌گویید خوبی هم دارد. (به خوبی توجه می‌کنید، در صفح زینت می‌دهید)

خوشا آن چشمی که در لابلای نواقص مردم، خدا را ببیند.

عفو، صفح و غفران در مورد دیگران است اما استغفار در مورد خود فرد است. باید آدم از خدا بخواهد اهل عفو، صفح و غفران باشد. از خدا بخواهد کسی نصیبتش شود که اهل عفو، صفح و غفران است. خدایا من را دچار کسی کن که عفو و صفح و غفران دارد.

مواظب باشید امروز کسی از بیرون نرود در حالیکه هنوز کسی را نبخشیده باشد. دست او را ببوس. او محل تجلی خداست. او می‌گوید چه کاری می‌کنی من به تو بدی کردم! می‌گویی تو کاری نداشته باش این یک سری دارد که در سوره نور امشب فهمیدم..

در خنثی کردن آن کار، از فضل خود خرج کن. ترکیب فضل، عفو، صفح نسبت به دیگران غفران را نتیجه می‌دهد.

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبَاتِ

أُولَئِكَ مَبْرُؤُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۲۶)

آیه ۲۶: این آیه خیلی عجیب است و کاربردهای زیادی دارد. در ازدواج و مباحث خانوادگی نسل یا پیوند و زندگی توحیدی استفاده می‌شود. این موضوع را الان طرح کردم تا ان شاء الله در دو هفته دیگر که در خدمتتان هستم راجع به آن صحبت کنیم.

انسان گوهری پیدا می‌کند که این گوهر زوجیتی شبیه به خود پیدا می‌کند و نمی‌توانی تشخیص دهی مال چه کی است؟ برای جنسیت تقدم و تاخر نمی‌توان داد. همان قدر که مرد طیب برای زن طیب، عزیز و ارزشمند است بالعکس آن هم عزیز و ارزشمند است.

ضرورت این را اثبات می‌کند که افراد طیب، طیب بمانند تا برای همیشه مال هم باشند. اگر طیب، خبیث شود، به طور طبیعی جنسیت آن طیب می‌شود. قاعده طیبین قاعده مهمی است. هر که دوست دارد ازدواج خوبی داشته باشد باید طیب باشد. چون جنسیت پاک، کنار خود می‌آورد. هر که می‌خواهد طیب کنار طیب باشد نباید بگذارد خبیث شود. این موضوع برای طیب شدن و طیب ماندن ضرورت دارد.

زن و مرد باید با هم طیب شوند. اگر یکی طیب نباشد اختلال ایجاد می‌شود. زن مالِ مرد است و مرد مالِ زن. ان شاء الله برای اینکه طیب شویم و برای اینکه آن قدر طیب شویم که با محمد و آل محمد محشور شویم صلواتی ختم کنید.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات